

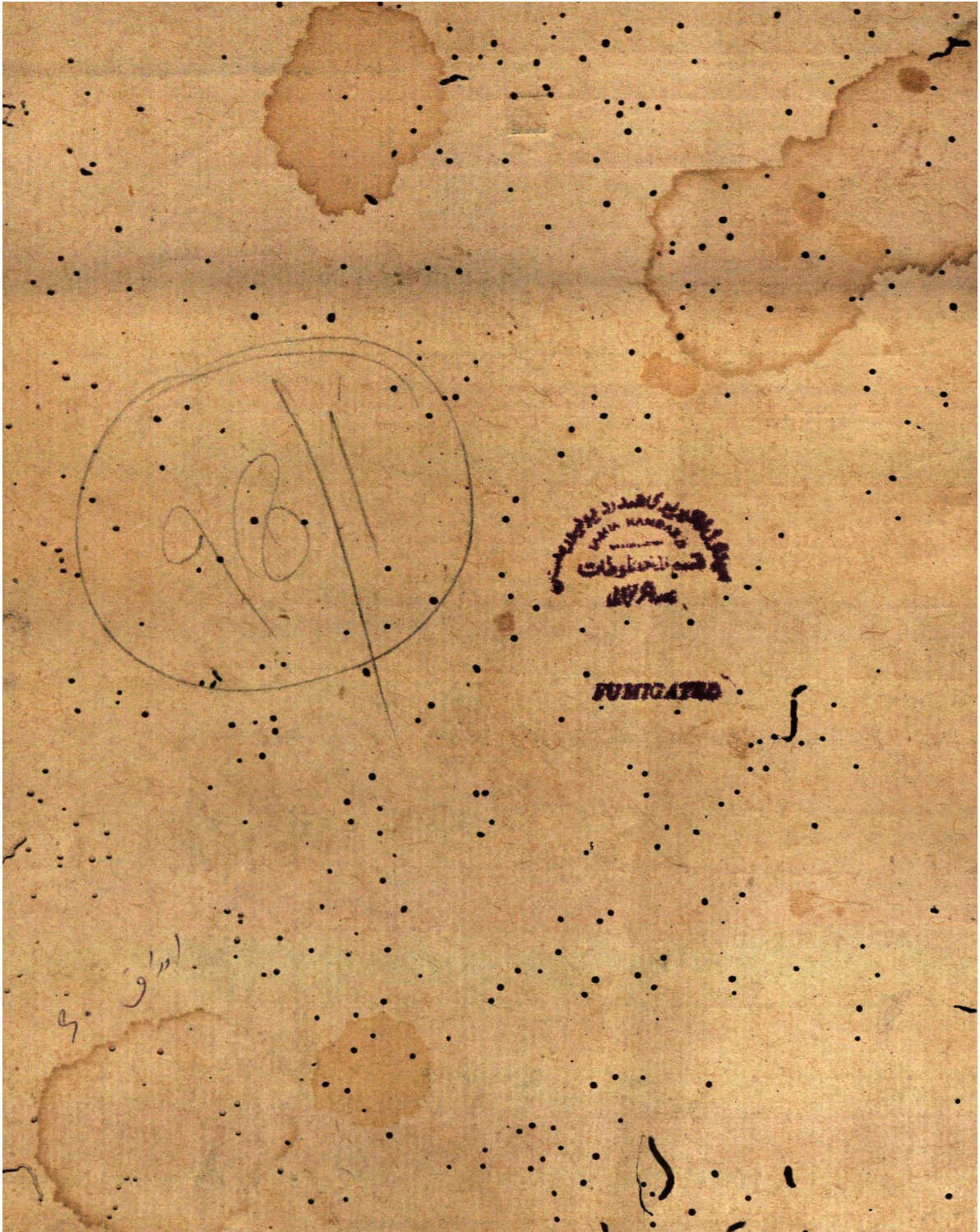
28

294.5923
M27M



FUMIGATED





هر کی نایتم بنایه آغاز سربسوم که درهما بهار شده
آن را بن پرین کوبید سر ی کشن چو سپهر می

راویان این قصه چنین روایت کرده اند که چون سیم باین قصه قرار بار یک راجه بدست و جودین نام ظاهر کرد راجه
گفت که حالاً ما بن کجی که چون جودین ملک و مال از پادشاهان که از اجداد و آبا بودند بقمار دخل برد و بالین کمال
و شتی که و عداوت ظاهر ساخت و ایشان را در عرصه گرفتار کرده بکشتن سر ذوات ایشان در کشتن و سیاهان چکار میکردند
و در کجی می بودند و چکان همراه ایشان در قفسه در آن محراب و کشتن می خوردند و در وید رانی که دایم در تاز و غمت
پرورده شده بود هرگز غمت بر خود نداشتند بود و در آن محبت چون بر میروید و میگویم که تفصیل این حکایات و حالات
ایشان با من میگوید که من میبینم که آن تیار و ارم سیم باین گفت که چون پادشاهان متوجه بکشتن شدند و از شدت تنهایی
بدر آمدند بر آه آن دروازه که کنگالان و دروان را بخت کشتن و کردن زدن می بر آوردند ایشان را نیز به همان دروازه
کردند پادشاهان اسلحه خود را با همراه داشتند و بجایب شمال میرفتند و در وید رانی همراه ایشان میرفتند از فرمان
کاران و جندان پادشاهان و اندر سین پانزده کس دیگر با احوال و عیال همراه ایشان رفت و بزرگان نه از رفتن ایشان
بسیار غمگین شدند بیکم نایم و در نه چار و دیگران را سر زشت میکردند که آنها بزرگان بودند چرا جودین را منع نکردند که با